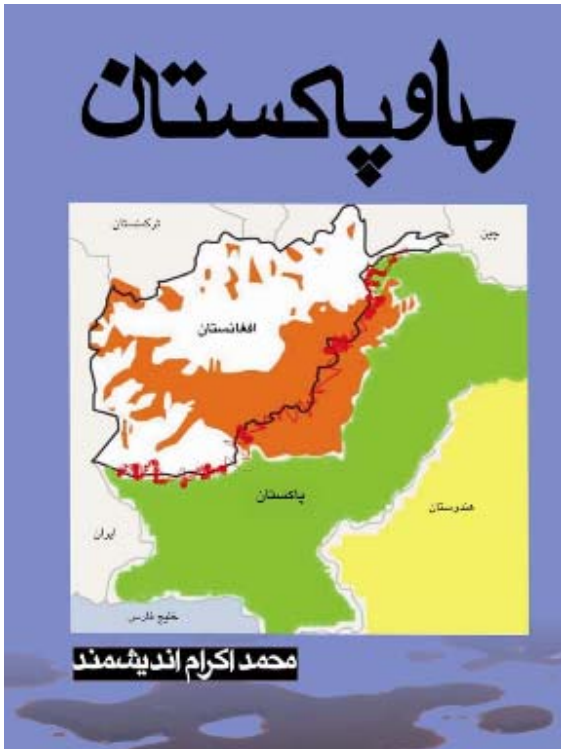


چاپ دوم ما و پاکستان



مشخصات کتاب

نام کتاب: ما و پاکستان

تألیف: محمد اکرام اندیشمند

چاپ اول:

ویراستار: سیداحمد هاشمی

طراح و گرافیست: عصمت الله احراری

ناشر: نشر پیمان

تاریخ چاپ: 15 اسد 1386 (6 آگست 2007)

تعداد صفحات: 485

تیراژ: 1000 جلد

چاپ دوم:

ناشر: بنگاه انشتارات میوند، جوار

ریاست فارمسی مقابل لیسه عالی

افغان ترک.

کابل - افغانستان

تیراژ: 1000 جلد

تاریخ چاپ: قوس 1388 (دسمبر 2009)

مقدمه چاپ دوم:

منازعه میان افغانستان و پاکستان بر سر مرز دیورند اصلی ترین معضل تاریخی در مناسبات میان دو کشور شمرده می شود. در واقع تمام وقایع و حوادث در تاریخ روابط دو کشور از ریشه ی این معضل آب می خورد؛ هرچند که سیر وقایع در مناسبات پاکستان و افغانستان در سی دهه ی اخیر ظاهراً نقش مشکل دیورند را تحت الشعاع قرار داد.

نخستین مذاکره بر سر دیورند با پاکستان در اواخر سال 1947 در دروه ی صدارت سردار شاه محمود، از اواسط نوامبر این سال تا اولین روز های سال بعدی 1948 صورت گرفت. نمایندگی دولت سلطنتی افغانستان را در این مذاکره نجیب الله تورویانا مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه به عهده داشت. او در این مذاکره نه تنها به تفاهم و توافقاتی با پاکستان بر سر این موضوع دست نیافت، بلکه وی فاقد آجندا و مطالبات روشن و شفاف در این مذاکره بود. او پس از بازگشت در مورد مذاکرات خود با دولت پاکستان گفت: «به مقامات رسمی و رجال بزرگ پاکستان آشکار گردانیدم که سرنوشت آینده و ستاتوئی برادران افغان ما که در میان خط دیورند و سند زندگانی مینمایند

یک مسئله ای است که مورد علاقه و دلچسپی خورد و بزرگ افغانستان می باشد و افغانها این مسئله را مسئله ی حیات و ممت خود میدانند. . . ما نمی گوئیم که تأمین حقوق و حریت و هویت آنها (پشتونستان) به نقص پاکستان و رفقای مسلمان آنها تمام شود. ما اصلاً باین پندار نیستیم که تأمین حقوق آنها به نقص و خساره ی پاکستان تمام می شود. تنها چیزی را که می خواهیم آنست که افغانهای میانه ی دیورند و سند با اتونومی کامل کشور واحدی را تشکیل نمایند که موسوم به نامی باشد که از قومیت آنها نمایندگی کند و باین وسیله هویت آنها محو و شخصیت آنها تباہ نشود. ما می خواهیم آزادی مشروع و استقلال برادران سرحد آزاد ما محفوظ مانده در تحت فشار نظامی و استعباد قرار نگیرند و روابط آنها با پاکستان بر اساس موافقات بوده دروازه ی وحدت و یگانگی شان با سایر برادران افغان و یا پشتونستان که شامل حکومت اتونوم پشتونها خواهند بود، باز باشد. و با آنها مساعدت بعمل آید تا سویه ی مادی و معنوی زندگی شان بلند برود.»

پس از نخستین گفتگوهای بی نتیجه برسر دیورند با پاکستان در سالهای نخست وزیری سردار شاه محمود، سردار محمد داود در آغاز صدارت خویش حل این منازعه را در صدر اولویت های سیاست خود قرار داد. محمد داود که از سال 1953 تا سال 1963 در کرسی صدارت افغانستان رهبری حکومت را بدوش گرفت تا آستانه ی جنگ با پاکستان برسر منازعه دیورند پیش رفت. او در حالی کرسی صدارت را ترک گفت که دروازه های روابط دیپلوماتیک میان افغانستان و پاکستان مسدود شده بود. ده سال بعد (1973) منازعه دیورند به عنوان یکی از عوامل مهم در بازگشت محمد داود به صحنه ی اقتدار اهمیت خود را نشان داد و سپس همچو شمشیر دوسره نقش خود را در برانداختن او از قدرت ایفا کرد.

نقطه ی بسیار روشن و مشخص در سیاست زمام داران و دولت های افغانستان بر سر منازعه دیورند و موضوع پشتونستان در ناکارآیی و ناکامی این سیاست متباز می شود. بدبختانه که پیامد این ناکامی تنها به اهداف و مطالبات دولت ها و زمام داران افغانی در مورد آنسوی دیورند محدود نماند، بلکه این ناکامی افغانستان را نیز در کام خود فروبرد.

یکی از ضعف ها و نادرستی های سیاست زمام داران افغانستان در مورد دیورند و پشتونستان عدم انطباق سیاست آنها با واقعیت های سیاسی و اجتماعی در آنسوی دیورند برمیگردد. در حالی که دولت ها و دولتمداران افغان، برخی عناصر و حلقه های مختلف سیاسی و اجتماعی افغانستان طی بیش از نیم قرن گذشته از این منازعه سخن گفته اند و شعار حقوق پشتونهای آنسوی دیورند را مطرح کرده اند اما هرگز همسویی شعارها و مطالبات خود را با صداها و دیدگاه های جامعه پشتون آن سو مورد عنایت قرار ندادند.

ضعف دیگر در این سیاست به ابهام و سردرگمی سیاسیون، دولت ها و دولتمداران افغان برمیگردد. از همان نخستین آغاز مذاکره در 1947 با پاکستان

برسر منازعه دیورند تا اکنون(2009)سیاست مداران وزمام داران افغانستان هیچگاه موضع و دیدگاه شفاف درمورد منازعه دیورند وموضوع پشتونستان نداشته اند. حتی سردار محمداود که بیشتر ازهر زمام دار دیگر درصد حل منازعه دیورند وتحقق خاست هایش درمورد آنسوی دیورند بود، تصویر روشن از سیاست خود دراین مورد ارائه نکرد و سیاست او دراین امر درسالهای متفاوت زمام داری اش بگونه ی متفاوت ومتناقض متبازر گردید.

شصت ودوسال پس ازنخستین مذاکره برسر موضوع پشتونستان ومنازعه دیورند با پاکستان، پنجاه وهشت سال پس از آغاز سیاست سردار محمد داود در مسند صدارت بر سر این منازعه و سی سال پس از مرگ موصوف این پرسش مطرح می شود که ثمره ی این سیاست در گام نخست برای پشتونهای آنسوی دیورند و سپس برای افغانستان چه بود؟ آیا با گذشت بیشتر از نیم قرن، آنچه که "پشتونستان محکوم" خوانده می شد آزادی یافت؟ و آیا پس از گذشت آن نیم قرن افغانستان آزاد در سایه ی سیاست پشتونستان خواهی دولت ها و دولتمردان افغان به ثبات و رفاه رسید؟ جامعه ی پشتونها از این سیاست در دوسوی دیورند چه بدست آوردند؟

سیاست دولت ها ودولتمردان افغانستان به ویژه سیاست سردار محمد داود که بیشتر از همه تنور این منازعه را با پاکستان داغ نگهداشت نه تنهاکه پشتونستان را به خود ارادیت و استقلال نرساند، بلکه برعکس به قربانی استقلال وثبات افغانستان انجامید. این سیاست ثبات سیاسی، انکشاف وپیشرفت اجتماعی، شکل گیری واستحکام دولت عادلانه ی ملی را در افغانستان به گروگان گرفت. این سیاست، به انزوا و تجریدافغانستان در میان کشورهای اسلامی و جهان غرب انجامید. ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپایی از تأمین روابط نظامی و گسترش مناسبات در سایرعرصه ها با افغانستان خود داری کردند. روابط با پاکستان بر مبنای سوءظن، بی اعتمادی و مخاصمت شکل گرفت و افغانستان میدان دخالت و تاخت و تاز پاکستان و متحدین غربی آن گردید.

این سیاست آخرالامر محمد داود و خانواده اش را به خاک و خون کشاند و افغانستان را میدان نفوذ، سلطه و تجاوز نظامی شوروی ساخت. این سیاست، افغانستان را درسال های جنگ سرد به میدان رقابت دوقطب مخالف و متخاصم جهانی آن سال ها(شوروی و ایالات متحده امریکا) و عرصه ی جنگ گرم مبدل کرد.

شصت ودو سال پس ازنخستین مذاکره بر سر منازعه دیورند با پاکستان، پنجاه وهشت سال پس از آغاز سیاست سردار محمد داود در مسند صدارت در این مورد و سی سال پس از مرگ او پشتونها در دو سوی دیورند قربانی اصلی این سیاست هستند. سیاست زمام داران افغانی به خصوص موضع و دیدگاه سردار محمد داود در مورد دیورند و پشتونستان زمینه و بهانه ی ترویج و اشاعه ی افراط گرایی و نابرده باری دینی ومذهبی را در جامعه ی پشتون در اختیار دولت پاکستان گذاشت. اگر امروز نوجوان سیزده ساله ی پشتون با

شمشیر برهنه سرانسانی را همچون گوسفندی ذبح می کند و این وحشت را از طریق کمره های فلم برداری در برابر چشمان حیرت زده ی مردم دنیا به تماشا میگذارند، بسیاری از عوامل و ریشه های آن در سیاست ضعیف و ناکام دولت ها و دولتمداران افغان بر سر منازعه ی دیورند و پشتونستان قابل ردیابی و بررسی است. پشتونها همه روزه در دو سوی دیورند کشته می شوند، جوانان و نوجوانانشان در دام مواد مخدر و افراط گرایی مذهبی اسیر می گردند و با قلب پر از کینه و نفرت در برابر هموعان خود به عملیات انتحاری کشانده می شوند. مکتب ها را می سوزانند، زنان را از درس و تعلیم در مکاتب باز میدارند و با ترویج خشونت و خصومت زمینه های گسترش و حاکمیت فرهنگ توحش را به جای فرهنگ مدنی هموار می کنند.

اگر زمام داران افغانستان در این نیم قرن اخیر به جای دعوای بیحاصل و نزاع نافرجام برسر دیورند و مطالبه ی حق خود ارادیت و استقلال برای قبایل پشتون آنسوی دیورند در تثبیت مرز دو کشور و تحکیم حاکمیت قانون و ایجاد جامعه ی قانونمند و مدرن در دوسوی مرز در مسیر تفاهم و توافق بر مبنای منافع متقابل با پاکستان قرار می گرفتند، اوضاع سیاسی و اجتماعی در افغانستان و دو سوی دیورند با این خون ریزی و ویرانی شکل نمی گرفت. اما پرسش اصلی این است که تا چه زمان دیگر تأمین ثبات و تحقق انکشاف و پیشرفت در افغانستان در گروگان منازعه ی دیورند باقی میماند؟

کتاب ما وپاکستان که برای نخستین بار در تابستان 1386 خورشیدی (2007 عیسوی) به چاپ رسید روابط پاکستان و افغانستان را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار میدهد. مسلماً در بررسی این مناسبات منازعه دیورند که در شکل گیری روابط دوکشور نقش اصلی داشته است به تحلیل و ارزیابی گرفته می شود.

در چاپ دوم ما وپاکستان که از سوی مرکز نشراتی میوند صورت می گیرد تلاش به عمل آمده تا اشتباهات املایی و چاپی گذشته اصلاح شود. افزون بر آن، برخی مباحث با مطالب تازه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

اندیشمند

22 جوزای 1388 خورشیدی